|  |  |
| --- | --- |
| زیست­پذیری بافت تاریخی روستای یوش  **محمدصادق طاهر طلوع دل1، اسماعیل ضرغامی2، سیده اشرف سادات3و\***   1. دانشیار، عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. 2. استاد، عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. 3. دانشجوی دکتری رشته معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. | |
| **The Viability of the Historical Context of Yush Rural**  Mohammad Sadegh Taher Tolou Del1, Esmaeil Zarghami2, Seyedeh Ashraf Sadat3,\*   1. Associate Professor, Member of Department of Architecture, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran. 2. Professor, Member of Department of Architecture, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran. 3. PhD Student, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran. (E-mail: [a.sadat@sru.ac.ir](mailto:a.sadat@sru.ac.ir)) | |
|  | |
| \*Corresponding Author: a.sadat@sru.ac.ir | |
| **چکیده** |  |

به سبب افزایش ارتباطات در عصر جدید جوامع روستایی با تغییری چشم‌گیر درروند زندگی ساده­ی خود مواجه هستند. با گذر زمان ساکنین روستا با نیازها، فعالیت­ها، ارزش­ها و امکانات تازه­ای روبرو شده­اند، درنهایت این عدم تطبیق نیازها موجب تغییر در شیوه­ی زیست آن­ها شده است. بهبود کیفیت مسکن روستایی از مهم­ترین ابعاد و عوامل زیست پذیر کردن سکونت­گاه­هاي روستایی است. از مهم­ترین راهبردهاي توسعه روستا بهبود کیفیت زیست محسوب می­شود. در این راستا طرح بهبود کیفیت بافت روستا می­تواند در زیست­پذیر کردن روستاها و بهبود عملکرد ساکنین روستایی نقش مؤثری ایفا کند. در این پژوهش به بررسی نقش زیست­پذیری بافت روستایی در بهبود کیفیت زندگی ساکنین روستای یوش پرداخته شده است. این پژوهش به روش کیفی و مطالعه موردی و بررسی میدانی انجام شده است. پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش تحقیق کیفی و روش تحلیل به صورت توصیفی است. نمونه موردی در پیمایش حاضر، بافت تاریخی روستای یوش شهرستان نور واقع در مازندران بوده است. روش گردآوری داده­ها؛ مطالعه­ی استنادی- کتابخانه­ای بوده است. یافته­های پژوهش نشان داد که مشارکت مردمی، عامل بهبود کیفیت زیست­پذیری در سکونتگاه­های تاریخی روستای یوش می­شود. در نتیجه برای دست­یابی به بهبود کیفیت زیست­پذیری بافت تاریخی روستای یوش، چهار عامل کالبدی فضا، اقتصادی محیط، اجتماعی فرهنگ و زیست محیطی بافت تاریخی از اهمیت لازم برخوردار می­باشد.

**واژه­هاي کليدي**

زیست­پذیری، بافت تاریخی، مسکن روستایی، بهبود کیفی، روستای یوش

**Abstract**

Due to increased communication in the new age of rural communities, they are facing a dramatic change in their simple lives. Over time, rural have come up with new needs, activities, values and opportunities; ultimately, this mismatch of needs has changed their way of living. Improving the quality of rural housing is one of the most important aspects and factors that make living in rural settlements possible. Improving the quality of life is one of the most important strategies for rural development. In this regard, rural texture quality improvement project can play an effective role in rural viability and improvement of rural residents' performance. The purpose of this study was to investigate the role of rural texture biodiversity in improving the quality of life of Yush residents. This research is a qualitative and case study and field study. The present research is based on the nature and method of qualitative research and the method of analysis is descriptive. A case in point in this survey was the historical texture of Yosh rural in Noor city in Mazandaran. The method of data collection was library-citation study. The findings showed that public participation contributes to the improvement of the quality of life in the historical settlements of Yush rural. As a result, in order to improve the quality of life of the historical texture of Yush rural, four physical, environmental, social, cultural and environmental factors of historical texture are important.

**Keywords:** Viability, Historical Context, Rural Housing, Improve Quality, Yush Rural

**1- مقدمه**

نواحی فرسوده روستایی بنا به سرشت خود با انواع عوارض و مشکلات مواجه هستند از این رو مشکل آن­ها چندوجهی است. که در هر مورد به شکل خاصی بروز می­نماید. به همین دلیل برای حل مشکلات آن­ها، معمولأ اقدامات و برنامه­های گوناگونی مطرح می­شود که هر یک بر جنبه­ای خاص تأکید دارد سگونت­گاهاي روستایی به‌عنوان پدیده­هاي جغرافیایی، نمود فضایی و عینی عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادي، سیاسی و فرهنگی هستند که در بستر طبیعت و در چارچوب مناسبات انسان و محیط درگذر زمان شکل گرفته‌اند (قاسمی اردهایی و رستمعلی زاده، 1391) به‌عبارت‌دیگر، واحدهاي سکونت­گاهی روستایی در ایران به تبعیت از تنوع ناحیه­اي و منطقه­اي عوامل محیط طبیعی – اکولوژیک از یک‌سو و درجه تأثیرگذاري متفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی – اقتصادي از دیگر سو، به نحوي متنوع و با تفاوت­هاي ناحیه­اي و منطقه­اي برپاشده و درگذر زمان شکل امروزي خود را یافته­اند ( سعیدي و همکاران، 1389، 5). درواقع در شکل­گیري مسکن روستایی مصالح محیطی بیش از هر عاملی در ساخت آن مؤثر است.(tuncdilk, 1976, 51).

سکونت‌گاهای روستایی از چند عامل در رنج هستند که شامل، ضعف تکنیک ساخت‌وساز، وجود مصالح کم دوام و عدم پژوهش در مورد راه­هاي افزایش مقاومت مصالح مورد استفاده، کم‌توجهی به مقاوم­سازي و نگهداري در فرهنگ عامه روستا می­باشد. این عوامل باعث شده است که جوامع روستایی کشور با کاهش جمعیت، فقر، مسکن نامناسب و ناامن، بهداشت نامناسب و محرومیت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی مواجه می‌باشند که این موضوع از بی‌توجهی به روستاها و مسئله زیست­پذیری نشأت می­گیرد. از مهم­ترین عواملی که باعث ساخت‌وسازهای غیر اصولی در مناطق روستایی می­شود مشکلات اقتصادي و افزایش هزینه­هاي آن است (یعقوبی، 1392، 152).

با توجه به این مشکلات و نارسایی‌های موجود در بافت و کالبد مسکن روستایی، دستگاه­ها و نهادهاي درگیر با انجام طرح‌های اقدام به مداخله در این محیط نموده‌اند. طرح زیست­پذیری مسکن با توجه به اهداف و روش، مساکن روستایی را که مشمول این­گونه طرح­ها هستند، با شرایط و فضاي خاصی و چه‌بسا ناخواسته­اي روبرو ساخته است (سعیدي و همکاران ،1392). نیاز روستاها به مسکن مناسب و محیط مطلوب کالبدی با اقدامات گسترده­ای مانند تهیه و اجرای طرح­های هادی، زیست­پذیری مسکن روستایی است. مسکن پدیده­ای است اجتماعی و انسانی و همانند سایر پدیده­های انسانی و اجتماعی، ابعاد گوناگونی دارد که بعد فنی و اقتصادی ساده­ترین آن­هاست. مسکن در نظر مردم ایران علاوه بر ویژگی­های اصلی­ای که هر سرپناه باید داشته باشد، دارای کارکرد­ها و فواید دیگری نیز می­باشد (زنجانی، گل کار و محمدی، 1390). نگاه سیستمی به کالبد و مسکن روستاها بطوریکه اجزا تشکیل‌دهنده سکونتگاه و مسکن را شناسایی و ارتباط آن­ها با یکدیگر کشف نماید در شکل­گیری توسعه روستایی و کالبدی اثرات تعیین­کنندهای بر جا می­گذارد (سرتیپی­پور، 1389). زیست­پذیری تلاشي است براي بهبود كيفيت زيست بومي روستاييان با بهینه‌سازی ساختار فرهنگي-كالبدي جوامع روستايي كه در راستاي ساماندهي فرآيند توزيع عادلانه خدمات زيربنايي و تسهيلات رفاهي در سطح محلي. به سبب افزایش ارتباطات در عصر جدید جوامع روستایی با تغییری چشم‌گیر درروند زندگی ساده­ی خود روبرو شده­اند. با گذر زمان افراد این جوامع با نیازها، فعالیت­ها، ارزش­ها، امکانات و... تازه‌ای روبرو شده­اند که درنهایت موجب تغییر در شیوه­ی زیست آن­ها شده است. با توجه به این تغییرات و نگرش­ها و خواسته­های جدید، فضاهای ساخته شده و به‌طور اخص مساکن روستایی قادر به برآوردن این نیازها نمی­باشند. زیست­پذیر بودن روستا می­تواند اثرات مثبتی در کاهش میزان مهاجرت روستایی و افزایش رضایت از زندگی و ماندگاري در روستاها شود. با توجه به این مطالب، می­توان سؤال نخستین را که نقش زیست­پذیری مسکن روستایی در بهبود زندگی روستاییان، این چنین مطرح نمود، که اجرای بهبود زیست­پذیری روستای یوش بر مبنای مشارکت مردمی به چه صورت امکان پذیر است؟

**2- پیشینه تحقیق**

نخستین پژوهش که درزمینه­ی طرح‌های زیست­پذیری انجام گرفته است، مطالعه‌ای است که با هدف بررسی آثار اقتصادی اجتماعی اجرای طرح‌های زیست­پذیری در استان همدان، در سال ۱۳۶۷ انجام گرفته است. از نتایج این پژوهش می­توان به نارضایتی روستائیان به دلیل طولانی شدن انجام عملیات زیست­پذیری، انتخاب فصل نامناسب برای اجرای طرح، خدماتی بودن بیشتر مشاغل ایجاد شده، عدم موفقیت در کنترل مهاجرت‌ها، به دلیل نا تمام ماندن طرح و رضایت نسبی روستائیان از اجرای این طرح، از یافته­های این پژوهش بوده است. در طرحی دیگر بررسی آثار اقتصادی– اجتماعی طرح‌های زیست­پذیری در استان خراسان است که از سوی گروه پژوهشی جهاد انجام شده است، آثار طرح­های زیست­پذیری در روستاهای موردمطالعه درزمینه­ی اجتماعی، اشتغال‌زایی، دیدگاه مردم و مسئولان و مشارکت روستائیان در اجرای طرح­های زیست­پذیری مورد بررسی قرار داده شده است (عنابستانی و اکبری، 1391، 95).

عنابستانی (1388)، در مقاله­ای به بررسی اثرات کالبدی اجرای طرح­های روستایی در روستاهای غرب خراسان رضوی پرداختند که نتایج به دست آمده از آن حاکی از آن است که اجرای طرح­های هادی باعث امیدواری روستائیان به سکونت در روستا و ازنظر خدمات­رسانی موفق بوده، در حالی‌ که از نظر زیست‌محیطی و جلب مشارکت مردم چندان توفیقی حاصل نکرده­اند و به دلیل اشکالات موجود در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌ها، مردم و مسئولان خواستار بازنگری در این فرایند هستند.

عنابستانی و اکبری (۱۳۹۱) در مقاله­ای به ارزیابی طرح­های هادی و نقش آن در توسعه­ی کالبدی از دیدگاه روستائیان (مطالعه موردی: شهرستان جهرم) پرداختند که نتایج حاصل از آن نشان داد که بیشترین اثرگذاری طرح­های هادی در روستاها در بعد بازگشایی و نوسازی شبکه معابر روستایی بوده است و در سایر متغیرها، یعنی مسکن روستایی و کاربری اراضی، توفیق چندانی در محیط روستایی حاصل نشده است.

پورطاهری و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله­ای به ارزیابی عملکرد طرح­های هادی روستایی در توسعه کالبدی سکونتگاه­های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای نبوت و خوران شهرستان ایوانغرب) پرداختند که نتایج حاصل از آن نشان داد که اجرای طرح هادی در دو روستا در رسیدن به اهداف کالبدی مانند بهبود کیفیت معابر و جدول­ها، کانال­ها­ی کشاورزی، بهبود وضعیت مسکن و ساخت‌وسازها، موفق بوده ولی با توجه به نتایج آزمون ویلکاسون، طرح هادی روستایی نتوانسته است تغییر مثبتی در بهبود وضعیت خدمات روستایی نسبت به دوره قبل ایجاد کند.

محمدی یگانه و همکاران (1391) در مطالعه خود در خصوص تبیین اثرات اجرای طرح هادی بر بهبود کیفیت زندگی نواحی روستایی شهرستان بیجار در یافتند در مجموع اجرای طرح هادی تأثیرات مثبت و معناداری را بر ابعاد کالبدی مناطق روستایی داشته است، ولی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی چندان موفق نبوده است.

سیمورا[[1]](#footnote-1) (2008)،اصولی و شرایطی را برای تحقق روستاهای زیست­پذیر در نظر می­گیرد که این شرایط و اصول برای هر روستا در هر منطقه­ای قابل تعمیم است. این اصول به‌عنوان خصوصیات ذاتی روستاهایی زیست­پذیر مطرح هستند به گونه­ای که خدشه در یکی از آن­ها کلیت روستاهای زیست­پذیر را از زاویه­ای خاص به مخاطره می­اندازد؛ بنابراین شرط لازم برای تحقق روستایی زیست­پذیر هستند ولی کافی نیستند. اصول و ویژگی­ها و شرایط تحت نظر این اصول در جدول شماره­ی 1 آمده است.

**جدول1: شرایط زیست­پذیری مناطق روستایی از دیدگاه سیمورا و آلبرتا**

(Seym oar, 200:176; Alberta Government, 2014:237-37)

|  |
| --- |
| **اصول راهبردی** |
| کلیه اصول از یک قاعده پیروی می­کنند.  اصول یکدیگر را محدود و مشروط می­کنند.  اصول یکدیگر را تکمیل می­کنند.  اصول ناقص یکدیگر نیستند. |
| **عوامل هم‌راستا با اصول زیست­پذیری** |
| **حیات­بخشی پایدار:** روستا باید قابلیت حیات داشته باشد. سلامتی و نیازهای اساسی انسان را تأمین نماید.  **ایمنی و امنیت:** روستا باید امن باشد. در امان بودن روستا از حوادث طبیعی و غیرطبیعی و زیان­های جانی و مالی.  **بهره­وری مالی:** روستا باید از اقتصاد مالی برخوردار باشد و بازدهی و راندمان را در همه عرصه­های اجتماعی افزایش دهد.  **تعاون:** ارتباطات اجتماعی سالم که شامل همیاری و همکاری می­شود.  **دسترسی:** روستا باید شرایط و تسهیلات بالفعل و بالقوه دسترسی مطلوب را به مراکز خدمات و اطلاعات، اخبار، منابع را مهیا نماید.  **تعادل:** روستا باید سعی در حفظ، استمرار، تقویت تعادل به معنی عام آن داشته باشد.  **سازگاری:** بر اساس این اصل روستا می­بایست موجبات سازگاری و همسازی اجزا و عناصر نسبت به یکدیگر و با شرایط طبیعی را فراهم آورد.  **پویایی:** روستا باید پویایی داشته باشد.  **هویت:** روستا باید از انقطاع تاریخی و نیز گسستن پیوندهای فرهنگی، ممانعت کرده، به صورتی که هویت روستا موجب بازشناسی آن گردد.  **زیبایی:** روستا باید در همه ابعاد برای مردم لذت­بخش باشد.  **تنوع:** روستا باید تلاش کند تا حداکثر تنوع را در ساختار کالبدی و اجتماعی و اقتصادی خود به وجود آورد.  **احساس تعلق:** روستا باید احساس تعلق روستاییان را تقویت نموده و آن را با شیوه­های مختلف به احساس مسئولیت تبدیل کند. |

**3- زیست­پذیری روستا در بافت قدیمی**

جوامع روستایی امروزي، به‌طور عمده با ویژگی­هایی چون سیاست­هاي تبعیضی و برنامه­ریزي­هاي ناسازگار که همراه با فقر اطلاعاتی، مهارت­هاي پایین، فرهنگ کارآفرینی ضعیف و نابرابري­هاي قومی و قبیله‌ای روبه­رو هستند که از سایر جوامع قابل تمایزند (افتخاری، 1391، 22). در این بین آسیب­پذیري سرپناه روستایی، یکی از عوامل مهم فقر و مهاجرت در روستاها است و نیز عاملی است براي رهسپار شدن سانحه­دیدگان روستایی به شهر و تشدید مهاجرت به شهرها می­باشد. در این راستا، و در جهت کاهش مهاجرت­هاي روستایی \_شهري زیست­پذیری مسکن روستایی در کشورهاي مختلف براي ارائه الگویی از مسکن براي زندگی گروه‌های روستایی که با توجه به شرایط اقتصادي، خود به تنهایی نمی­توانند اقدام به ساخت مسکن مناسب کنند به وجود می­آید. در این راستا، یکی از بسترها و زمینه­ها مهم در حوزه زیست­پذیري بحث مسکن می­باشد، مسکنی که باید مکان­هاي سالمی را براي یک شیوه زندگی هدفمند و مولد افراد به وجود بیاورد. بهینه­سازي مسکن روستایی باید از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادي مناسب و همراه با روند زندگی روستاییان باشد. زیست­پذیری مسکن روستایی باید احساس بیش­تري از اجتماع و مالکیت را ایجاد نماید و نرخ مهاجرت را پایین آورد. به‌صورت کلی، زیست­پذیری مسکن می­تواند در ابعاد مختلف زیست­پذیري: ازجمله عدالت و برابري میان گروه­هاي مختلف اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادي در تمامی مقیاس­ها و بهبود محیط و کالبد در نواحی روستایی مؤثر باشد درواقع زیست­پذیری مسکن روستایی باعث ایجاد وضعیت و شرایطی است که در آن ملزومات اجتماعی، اقتصادي، کالبدي، زیست­محیطی به‌منظور آسایش و رفاه دراز مدت آحاد جامعه فراهم می­گرددCarlsson and Frederiksen, 2002; Kazana and Kazaklis, 2009) ). تمامی این عوامل باعث افزایش میزان زیست­پذیري روستاها می‌شود تا از این طریق زیست­پذیری مسکن روستایی به اهداف غایی خود که توسعه پایدار روستایی است نزدیک شود. توسعه­اي پایدار روستایی، به معناي نگرش به همه‌جانبه و سینوپتیکی و فرآیندي، به تعامل انسان سازمان‌یافته با محیط‌زیست­ خویش (فضاي زندگی) و الگوي حاصل از این تعامل در ابعاد سه­گانه­اي راهبردي، اقتصادي، اجتماعی و زیست‌محیطی، در راستاي افزایش انتخاب مردم با گسترش دامنه‌ای دموکراتیک، تواناسازي مردم به‌منظور تصمیم­گیري براي شکل‌دهی به فضاي زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت­ها و ظرفیت­هاي بالقوه، تواناسازي زنان، فقرا و کشاورزان مستقل و آزاد براي سازمان‌دهی فضاي زیست خویش و همچنین تواناسازي براي انجام کارگروهی است که با اهداف زیست­پذیري روستایی داراي مشترکات فراوانی است و درواقع، می­توان گفت که زیست­پذیري بخشی از فرآیند توسعه پایدار می­باشد و درصورتی‌که شرایط موجود در نواحی روستایی را از کیفیت مناسب برخوردار کنیم به‌طوری‌که پاسخگوي نیازهاي ساکنان نواحی روستایی باشد مسلماً در پی آن رضایت از زندگی و نهایتاً افزایش کیفیت زندگی حاصل خواهد شد که این موضوع به معناي واقعی همان توسعه پایدار روستایی خواهد بود.

**نمودار1: چهارچوب روستای زیست­پذیر (اسماعیل­پور و همکاران، 1397)**

­

مهم­ترین اهداف طرح زیست­پذیری و توسعه فیزیکی روستایی عبارت­اند از:

بهبود اوضاع فیزیکی و محیط­زیست روستائیان برای ارائه خدمات رفاهی و کاهش تفاوت بین شهر و روستا زمینه­سازی برای گسترش سرمایه­گذاری­های تولیدی و تجاری زمینه­سازی برای افزایش خدمات در مراکز روستایی ایجاد شرایط مناسب محیطی برای استقرار نیروهای متخصص در زمینه­های تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی (طاهری و نقوی، 1391، 62).

**4- زیست­پذیری طبق نظریه: (زیست- منطقه)**

زیست­پذیری به معنای کیفیتی است که نه ویژگی درونی محیط، بلکه کارکرد مرتبط با رفتار تعامل بین ویژگی­های محیطی و ویژگی­های فردی است (پاسیون[[2]](#footnote-2)، 1990، 32). مفهوم «زیست­پذیری» به دلیل اهمیت تهدیدهای موجود در حوزه وضعیت کیفیت زندگی رشد یافته است. عواملی مانند رشد سریع، فقدان اراضی زراعی و فضاهای باز، کمبود مسکن، رشد نابرابری اجتماعی، ضعف فزاینده هویت محلی، مکانی و زندگی اجتماعی، تهدیدات جدی برای زیست­پذیری و اجتماع به شمار می­آیند (خراسانی و دیگران، 1392، 94). در تعریفی دیگر آمده است: زیست­پذیری را قابلیتی از محیط سکونت می­دانند که امکان برخورداری از رفاه اجتماعی و روانی همراه با احترام به طبیعت و عدم اتلاف منابع طبیعی را از طریق تقویت زندگی اجتماعی، فضاهای جمعی و پیوند و پیوستگی بین مکان تجمع و فعالیت با گزینه­های حمل‌ونقل متنوع فراهم می­آورد (Miller & et all, 2013,16). نظریه زیست منطقه سطح جغرافیایی قابل تمیزی است که شامل نظام­های زندگی به‌هم‌پیوسته و خود نگهداری بوده و درنتیجه روابطی اندام­وار[[3]](#footnote-3) میان اعضای منطقه برقرار است.

در این نظریه اقتصاد زیست- منطقه شبکه­ای از اقتصادهای نیرومند محلی است که پایداری و نیازهای منطقه را به‌جای رشد و نیازهای صادراتی در اولویت قرار می­دهد. در این نظریه، ایجاد پیوندی متقابل و رابطه متعادل و متوازن میان انسان، اجتماع و طبیعت موردتوجه است که در ذهن انسان­ها مفهوم خانه و میهن را تجلی می­بخشد. این نظریه به توسعه­ای که رشد اقتصادی را مدنظر دارد، خرده می­گیرد و گفته می­شود که در این نظریه به توسعه مردم توجه نمی­شود، ادغام فرهنگی به سود فرهنگ مسلط فردگرای مصرف­زده غربی است، اتکا بر روابط پولی است و به هزینه­های اجتماعی و بوم­شناسی توجه نمی­شود و این نوع توسعه، تخریب محیط‌زیست را در پی دارد. در مقابل توسعه­ای را در نظر دارد که در آن باید مصرف منابع تجدیدناپذیر کم باشد و به نیازهای انسانی و اجتماعی پاسخ داده ­شود (فتاحی و همکاران، 1391، 50).

**5- قلمرو جغرافیایی روستای یوش**

روستاي يوش در استان مازندران، شهرستان نور، بخش بلده و دهستان شيخ فضل‌ا... نوري جاي گرفته است. شهرستان نور داراي 3 شهر چمستان، علمده و نور و سه بخش و 9 دهستان و 183 آبادي داراي سكنه و 49 آبادي خالي از سكنه مي‌باشد. روستاي يوش يكي از آبادي‌هاي شهرستان نور مي‌باشد (سازمان جغرافيايي ارتش، 1365). روستاي يوش در'11 و°36 عرض جغرافيايي و در43' و°51 طول جغرافيايي و در متوسط ارتفاع 2230 متر از سطح دريا و در جنوب غربي شهرستان نور جاي گرفته است (سازمان جغرافيايي ارتش، 1365). عامل مؤثر در شكل‌گيري و نحوه گسترش روستاي يوش ارتفاعات غربي و شرقي روستا مي‌باشند. به همين علت بافت روستا در روي تپه‌هاي فوق به شكل پلكاني شكل گرفته ‌است. روستاي يوش در مجاورت چند گسل بسيار فعال واقع است.

گسل خزر به طول 600 كيلومتر در شمال البرز كوه با ارتفاع نزديك به 2000 متر جاي گرفته است. گسل بايجان گسلي است با راستاي خم‌دار شمال باختري ـ جنوب خاوري و درازاي 45 كيلومتر. شمال غربي اين گسل به ‌وسیله گدازه‌هاي جوان آتش‌فشانی دماوند پوشيده شده است. شيب‌بندي محورها و معابر روستاي يوش به‌عنوان مهم‌ترين عامل مؤثر در مسيريابي و دفع آب‌های سطحي مطرح مي‌باشد. جوي‌هاي آب كه مسير عبوري آب چشمه‌ها مي‌باشن، داراي عملكردي دو گانه هستند. بدين گونه كه آب‌هاي سطحي روستا را نيز جمع‌آوري كرده و انتقال مي‌دهند. دفع فاضلاب خانگي در روستا به‌صورت چاه جذبي است. از سوي ديگر با نبود سنگ فرش در محورها و كوچه‌هاي روستا، عمل دفع آب‌هاي سطحي با مشكل روبرو شده و به علت ايجاد گل‌ولای، عبور و مرور را مختل مي‌سازد.

|  |
| --- |
|  |
| **شکل1: موقعیت جغرافیایی قلمرو پژوهش، (مأخذ: نگارندگان)** |

روستاي يوش به علت قرارگيري در منطقه البرز مركزي از آب‌وهوای زمستاني برخوردار است. به اين دليل از شرايط مناسبي براي كاشت درختان سردسيري بهره مي‌‌برد. درختان زردآلو، آلو، سيب و بوته تمشك به فور و به شكل خودرو و يا دست كاشت در اين روستا و پيرامون آن يافت مي‌شوند. يوش در تقسيمات جغرافيايي ـ اقليمي در پهنه مناطق سرد واقع است. ارتفاع زياد روستا نسبت به سطح آب‌هاي آزاد و محل استقرار آن در ميان رشته‌کوه‌های البرز مياني، نوع ويژه‌اي از اقليم را براي اين روستا به وجود آورده است. اين اقليم به‌صورت مستقيم بر بافت و نوع معماري روستا تأثیر گذاشته و بافت روستايي متناسب با اين مكان را پديد آورده است. اگرچه ميزان سرما و دوام آن در مناطق سرد متفاوت است، ولي به‌طورکلی، اصولي كه براي جلوگيري از اتلاف حرارت ساختمان در بخش‌‌هاي مختلف اين مناطق رعايت شده يكسان مي‌باشد. اصول كلي و عمده مورد استفاده در معماري بومي اين مناطق عبارتند از:

1ـ استفاده از فضاهاي كالبدي متراكم و فشرده

2ـ به حداقل رساندن سطح خارجي در برابر حجم مورد پوشش

3ـ استفاده از مصالح با ظرفيت و عايق حرارتي مناسب

4 ـ انتخاب بام‌هاي مسطح و نگهداري برف بر روي بام‌ها به‌عنوان عايق حرارتي

شرايط آب و هوايي و طبيعت بكر منطقه كه به علت سختي راه دسترسي هنوز دست نخورده، باقي‌مانده و ساختار روستايي خود را به خوبي حفظ كرده است از يك سو و زيبايي‌هاي طبيعي كوهستان، رودخانه، مناظر بديع و منحصر به فرد منطقه از سوي ديگر، هر انسان خسته از زندگي صنعتي را به سوي خود فرا مي‌خواند. اين منطقه هنوز مأمن مردماني است كه هر چند به علت مشكلاتي، ترك ديار كرده‌اند ولي در فصول بهار و تابستان به اين منطقه روي مي‌آورند تا از زيبايي‌هاي طبيعي بهره‌مند شوند. مراكز تفرجگاهي و جاذبه‌هاي گردشگري به‌عنوان عامل اصلي جذب گردشگران در سطح منطقه و شهر روستا عمل مي‌نمايد اين‌گونه مناطق با توجه به ويژگي‌هاي منحصر به فرد، جاذب گردشگران از سطوح مختلف و سلايق گوناگون مي‌باشد و گروه‌هاي گردشگري با توجه به نيازهاي روحي و جسمي به اين مناطق مسافرت مي‌نمايند.

|  |
| --- |
|  |
| **شکل2: تصویری از نمای کلی روستای یوش، (مأخذ: نگارندگان)** |

**5-1- ويژگي‌هاي اجتماعي و فرهنگي روستاي يوش**

روستاي يوش در سال 1345، 458 نفر جمعيت داشته كه اين جمعيت در سال 1355 به 485 نفر افزايش يافته است كه از متوسط نرخ رشد سالانه‌اي برابر 6/5 درصد در طي دوره 10 ساله برخوردار بوده است.تعداد خانوارهاي روستا در سال 1345 بالغ بر 106 خانوار بوده كه اين تعداد در سال 1355 به 101 خانوار كاهش يافته است كه رشد بعد خانوار از 3/4 نفر به 8/4 نفر رسيده‌ است. جمعيت روستا در سال 1365 به 422 نفر و در سال 1375 به 250 نفر كاهش يافت و تعداد خانوار نيز در اين دوره به 71 خانوار رسيد كه نشان‌دهنده مهاجرت در روستا طي سال‌هاي 1365 تا 1375 مي‌باشد.

بر اساس آمار خانه بهداشت يوش، جمعيت روستا در سال 1380 برابر 272 نفر بوده كه رشد نسبي جمعيت را نسبت به سال پايه ( 1375) نشان مي‌دهد. جمعيت يوش در سال 1381 به 267 نفر كاهش يافت. البته در اين سال جمعيت مهاجر افزايش يافته است. در سال 1382 جمعيت باز هم كاهش يافته به طوري كه در اين سال جمعيت مهاجر افزايش يافته است و در اين سال، 82 خانوار در روستا ساكن بوده‌اند و بعد خانوار 1/3 نفر بوده است. در سال 1383 در مجموع 247 نفر در روستاي يوش ساكن بوده‌اند كه شامل 78 خانوار مي‌شده‌اند. بعد خانوار در اين سال 1/3 نفر بوده است كه نشان از مهاجرت خانوادگي از روستاي يوش دارد. در سال 1384، 248 نفر در روستاي يوش ساكن بوده‌اند كه در مجموع 82 خانوار را شامل شده‌اند، نكته قابل توجه افزايش سن ساكنين ماندگار در روستا و به‌عبارت‌دیگر گرايش به پيري جمعيت است. بر اساس بررسي صورت گرفته بر روي نتايج سرشماري عمومي نفوس و مسكن سال 1375 از 116 نفر مرد 6 سال و بيشتر 66 نفر باسواد هستند و از 116 نفر زن 6 ساله و بيشتر در روستاي يوش در همان سال 68 نفر (6/56) درصد باسواد بوده‌اند. نكته قابل توجه‌ در روستاي يوش اين است كه نسبت باسوادان در زنان از مردان روستا بيش­تر مي‌باشد (مرکز آمار ایران، 1375).

**5-2- ويژگي‌هاي كيفي و كمي مسکن روستایی**

در بررسي‌هاي ميداني صورت گرفته در روستاي يوش، چنين به‌نظر مي‌رسد كه تعدادي از ابنيه شامل خانه‌هاي مسكوني و يا بناهاي عمومي داراي ويژگي‌هاي تاريخي مي‌باشند، بافت مسكوني و تيپولوژي ابنيه، چيدمان منحصر به فرد روستا و هماهنگي بافت با طبيعت باعث شكل‌گيري مجموعه‌اي باارزش از نظر هنري و معماري شده است. فرهنگ بومي و مصالح بوم‌آورد، اعتقادات آييني و مذهبی، جغرافیای طبیعی، طبیعت بکر و ترکیب همگون آن‌ها با یکدیگر، معماری ارزشمندی را پدید آورده است که در عین سادگی ظاهری مردمانش، معناي عميق اعتقادات و هنر را تجلي مي‌سازد. واحدهاي مسكوني اين روستا، از يك معماري درون‌گرا در ظاهر و عملكردي برون‌گرا برخوردارند. اين نوع بافت و گونه‌های معماري در جهت بهره‌برداري هرچه بيش­تر از طبيعت روستا شكل گرفته است. در بافت روستاي يوش، ابنيه از نظر شكل، مساحت و جهت قرارگيري، از توپوگرافي و زاويه تابش خورشيد تبعيت نمودند و با توجه به برودت هوا در زمستان، جهت وزش بادهاي غالب و كيفيت خاك و اراضي روستا، تغييراتي در نقاط مختلف بافت اتفاق افتاده است. بافت شرقي روستا كه از موقعيت طبيعي مناسبي برخوردار مي‌باشد. به سبب وجود ارتفاعات مشرف به آن از قرارگيري در مسير وزش بادها مصون مانده است. از سوي ديگر خاك زراعي مناسب در اين بخش از روستا، سبب شكل ‌يافتن بافت پراكنده ابنيه در ميان باغات شده است. نوع بازشوها، ايوان‌ها و راه‌پله‌ها با توجه به زاويه تابش و چشم‌انداز مناسب به باغات طراحي و اجرا شده است. در اين بخش از روستا، اغلب خانه به‌صورت خانه باغ مي‌باشند و از ايوان و بازشوها به دليل ايجاد محرميت كاسته مي‌شود. اما آنچه در اين ميان جلب توجه مي‌كند اشراف اهالي بر خانه‌ها و باغ‌ها به دليل شكل پلكاني بافت و پراكندگي بناها، مي‌باشد. اغلب ساختمان‌هاي اين ناحيه به‌صورت دو طبقه اجرا شده‌اند كه مصالح بوم‌آورد محلي نظير سنگ، غوره گل و چوب در ساخت آن­ها استفاده شده است، اغلب ديوارها از ضخامت بالايي برخوردار مي‌باشند كه با لايه‌اي از گل رُس محلي و به نام (گل كار) اندود شده‌اند. سقف‌هاي اين ابنيه به‌صورت تخت (آسمانه) است و به‌وسيله تيرهاي باربر اصلي به نام فرسب، بار سقف به ديوار منتقل مي‌گردد و براي پوشش از تخته‌هايي كه اغلب منقش به طرح‌ها و رنگ‌هاي محلي است استفاده مي‌شود. در طي سال‌هاي 1340 به بعد سقف‌هاي شيرواني در اين روستا رايج شد كه با توجه به سهولت آب شدن برف در اين نوع سقف‌ها در روستا گسترش يافته است. در اغلب ساختمان‌هاي مسكوني، سرويس بهداشتي در خارج از ساختمان اصلي جاي دارد. اغلب ساكنين بخش شرقي روستا به كار در مزارع اشتغال دارند در اين ميان اغلب خانه‌هاي باارزش كه تحت‌ مالكيت قوانین بوده‌اند و از ارزش هنري‌ و تاريخي برخوردار هستند. در بخش غربي روستا با توجه به جنس خاك و شيب تند و قرارگيري در مسير بادهاي غالب، نوعي ساختار متراكم بافت روستايي مشاهده مي‌گردد. اين نوع بافت ساختمان‌ها به‌صورت در هم تنيده و در مجاورت يكديگر جاي مي‌گيرند. در اين بافت اثري از باغ و يا فضاهاي باز، ديده نمي‌شود و ابنيه در كنار هم جاي گرفته‌اند. غالب مردم اين محله به شغل دامداري اشتغال دارند و از اين رو در زبان محلي به آن كرد محله مي‌گويند. اغلب ابنيه اين ناحيه به‌صورت پلكاني و با پيروي از شيب زمين ساخته شده‌اند. بازشوها به سمت نور آفتاب قرار دارند و جلوه بسيار زيبايي را به‌ وجود مي‌آورند. مسيرهاي عبوري در اين بخش، باريك بوده كه در آن­ها، احساس محصوريت به شدت قابل لمس مي‌باشد.

**5-3- آثار باارزش تاریخی یوش**

1- خانه نيما يوشيج، پدر شعر نو ايران به‌عنوان جذاب‌ترين عنصر فرهنگي و تاريخي روستاي يوش است (شکل3).

2- حمام دوره صفوي در قسمت شمال روستا نيز از جاذبه‌هاي فرهنگي روستاي يوش مي‌باشد.

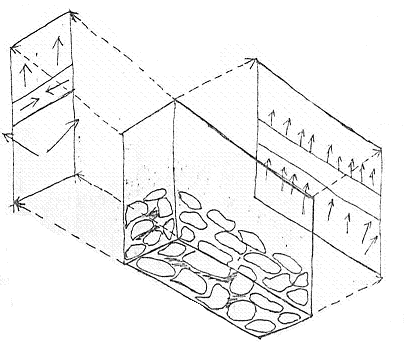
3- خانه‌هاي تاريخي و بسيار زيباي باغ شاه، آقا رئيس و عباسعلي‌خان كه معماري بومي دوران قاجار را به نمايش مي‌گذارد، از ديگر جاذبه‌هاي روستاي يوش مي‌باشند كه به‌ علت عدم توجه در حال تخريب مي‌باشند.

4- مساجد تاريخي و امامزاده روح‌الامين علاوه بر کاربری مذهبي، مي‌توانند به‌عنوان مكانی فرهنگي-تاریخی مورد بازديد گردشگران قرار گيرند.

5- مقبره كيا داود به‌عنوان جد بزرگ يوشي‌ها از ارزش خاصي برخوردار است.

6- گورستان‌هاي يوش داراي قابليت فراواني براي كاوش‌هاي باستان‌شناختي هستند.

|  |
| --- |
|  |
| **شکل3: تصویری از خانه نیما یوشیج، (مأخذ: نگارندگان)** |
|  |
| **شکل4: کرسی­چینی سنگی خانه نیما یوشیج** |
|  |
| **شکل5: جرز خشتی بر کرسی چینی سنگی خانه نیما یوشیج** |

**4-7- زیست­پذیری بافت تاریخی روستای یوش**

1- مستندسازي، حفاظت و مرمت بافت و كالبد روستا.

2- ساماندهي هسته كهن و واجد ارزش روستا در رابطه با سكونت و توليد.

3- حفاظت و احياء ارزش‌هاي فرهنگي، تاريخي و كالبدي- فضايي، معماري و منظر روستايي و معرفي اين ارزش‌ها از سطح روستا تا سطوح ملي و فراملي.

4- ايجاد زمينه توسعه گردشگري و بهره‎مندي روستا از فوايد حاصل از جلب نظرات و توجه جمعيت گردشگران (داخلي و خارجي).

5- هدايت توسعه كالبدي روستا به‌صورت موزون و همگن با محيط فرهنگي-تاريخي.

6- فراهم نمودن زمينه توسعه و عمران كالبدي- فضايي روستا با توجه به شرايط، امكانات و محدوديت‌هاي موجود.

7- كمك به تأمين و توزيع عادلانه امكانات و خدمات رفاهي، زيرساختي و روساختي.

**جدول2: زیست­پذیری بافت باارزش تاريخي روستای يوش (تغيير كاربري بناها و فضاهاي تاريخي موجود)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **رديف** | **نام بنا یا محوطه تاریخی** | **كاربري فعلي** | **كاربري پيشنهادي** |
| 1 | خانه نيما | موزه نيما | موزه شعر و ادبیات |
| 2 | حمام تاريخي | متروكه | موزه مردم‌شناسی |
| 3 | خانه بهداشت | --- | خانه بهداشت و درمان يوش |
| 4 | خانه قاجاري ابتداي روستا | متروكه | پايگاه ميراث فرهنگي و گردشگري |
| 5 | خانه‌های تاريخي نزديك خانه بهداشت | متروكه و مخروبه | اقامتي |
| 6 | مقبره كيا داود | مخروبه | فرهنگي |
| 7 | مساجد تاريخي | مذهبي | مذهبي و فرهنگي |
| 8 | امامزاده روح‌الامين | مذهبي | مذهبي و فرهنگي |
| 9 | گورستان‌های تاريخي | تأسيسات | پژوهشي و فرهنگي |
| 10 | مخروبه‌ها، باير و دامداري | --- | مسكوني |
| 11 | مدرسه ابتدايي | متروكه | اقامتي موقت |
| 12 | باغات روستا | باغ | باغ برای پذيرايي به‌صورت شناور |

1. **معرفی شاخص­ها و متغیرها**

با توجه به مطالعات صورت گرفته و بررسی ادبیات تحقیق و نیز در نظر گرفتن شرایط محیطی محدوده موردمطالعه، شاخص­ها و متغیرهای مورداستفاده در این پژوهش جهت بررسی آثار زیست­پذیری بافت باارزش در جدول شماره­ی 3 آمده است.

**جدول3: شاخص­ها و متغیرهای معرف آثار زیست­پذیری بافت باارزش یوش**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **ردیف** | **متغیرها** | **شاخص­ها** |
| **1** | **اقتصادی** | گردشگر پذیری، رضایت شغلی، وجود منابع آب، داشتن اراضی بایر، وجود معادن مختلف گچ، آهک و زغال سنگ، وجود نيروي كار جوان، امنیت شغلی. |
| **2** | **اجتماعی**  **فرهنگی** | * وجود احساس تعلق به روستا، مشارکت و همکاری روستاییان، پایبندی به اصول مذهبی و جشن­های محلی، وجود فضای باز اجتماعی و فرهنگی مناسب، امنیت اجتماعی، جذابیت محیط فرهنگی و اجتماعی روستا. |
| **3** | **کالبدی**  **فضایی** | رابطه با شهرها و روستاهای پیرامون، بافت ارگانیک روستا، ساخت خانه­ها متناسب با اقلیم منطقه، نورگیری مناسب خانه‌ها، ساختار کالبدی روستا متأثر از ارتفاعات پیرامون، هماهنگی کامل بین عناصر کالبدی و مسیرها عبوری، محورهای دسترسی منطبق با توپوگرافی زمین، وجود کاربری­های مناسب (آموزشی، تجاری و مذهبی)، استحکام مسکن روستایی، مصالح بومی متناسب با منطقه، وجود بافت باارزش معماري و تاريخي در روستا. |
| **4** | **زیست محیطی** | بومی‌سازی، جلوگیری از اتلاف حرارت ساختمان، فضای سبز، وجود مراكز تفرجگاهي با جاذبه گردشگري، وجود زمينه‌ي فعاليتی و گردشگري، وجود شرایط آب‌وهوای مناسب، داشتن تنوع زیستی گیاهی و جانوری در روستا، داشتن چشم‌انداز مناسب ساختمان‌ها و معماری بناها، نبود آلودگی صوتی ناشی از رفت‌وآمد وسایل نقلیه، دسترسي به محور طبيعي و تاريخي روستا، وجود شرايط اقليمي نامناسب در فصل زمستان و سختی دسترسی به روستا، عدم رعايت مسائل بهداشتي و زیست‌محیطی در اطراف رودخانه و باغات، شكار پرندگان و حيوانات وحشي. |

1. **چرخه احيای بافت باارزش روستای يوش**

در چرخه احياء و زیست­پذیری بافت باارزش يوش، 5 شاخص يا اقدام مؤثر را مي‌توان نام برد كه عبارت‌اند: از سرمايه‌گذاري و مشاركت، تشويق به اسكان به‌ویژه نسل‌هاي جديد، احيا بافت و ايجاد خدمات، جذب گردشگر و ايجاد شغل و درآمد همه اين عوامل و اقدامات در ارتباط مستقيم با يكديگر قرار دارند و بر روي همديگر تأثير‌می گذارند.

هرگونه سرمايه‌گذاري و مشاركت در بافت باارزش، موجب تشویق ساكنين فعلي، چه مهاجرين و چه نسل جديد برای اسکان در بافت می‌گردد، این کار به ايجاد شغل و درآمد منجر شده و باعث جلب گردشگر مي‌گردد و رونق و احياء بافت و ايجاد خدمات را در پي دارد.

تمايل به اسكان به صورت‌هاي گوناگون در بافت باارزش، به رونق اقتصادی محل منجر شده و بافت را احياء مي‌كند و نياز به خدمات براي ساكنين ايجاد آن‌ها را باعث مي‌شود و امنيت اجتماعي جلب گردشگر را باعث خواهد شد و سرمايه‌گذاري و مشاركت بيشتر را دامن خواهد زد.

احياء بافت و ايجاد خدمات، هم تشويق به اسكان را به همراه دارد، شغل و درآمد ايجاد مي‌كند و گردشگران را جذب مي‌كند و همه زمينه‌هاي سرمايه‌گذاري و مشاركت را فراهم مي‌نماید.

جذب گردشگر بر احياء بافت و ايجاد خدمات تأثير به سزايي دارد، رونق اقتصاد محلي را در پي دارد و موجب سرمايه‌گذاري و مشاركت بيشتر مي‌گردد و تمايل مردم را براي ماندن در بافت و يا اسكان در آن افزايش مي‌دهد.

شايد نتوان به‌سادگی مشخص نمود، كه كدام عوامل و شاخص‌ها اهميت بيشتري دارند و يا بايد در اولويت براي اقدام كردن قرار گيرند؛ اما نكته مهم آن است كه هرگونه اقدامي در هر يك از زمينه‌هاي پنج‌گانه بدون شك تأثير مستقيم، سريع و به سزايي بر روي ديگر عوامل خواهد داشت.

**احیا بافت و ایجاد خدمات و بافت**

**سرمایه گذاری و مشارکت**

**جلب گردشگر**

**ایجاد**

**شغل و درآمد**

**تشویق به حفظ میراث فرهنگی**

**نمودار2: چرخه احيای بافت باارزش روستای یوش، (مأخذ: نگارندگان)**

**7-1- محورهاي مشاركت**

محورهاي مشاركت مردم در هر پروژه‌اي بسته به اهداف آن و انواع اقدامات، برنامه‌ها و طرح‌هاي پيشنهادي است. در طرح ساماندهي روستاي يوش محورهاي مشاركت مردم با توجه به زمينه‌هاي مشاركتي، در موارد زير مطرح شده است:

ـ مرمت و احياء بافت

ـ گردشگري

ـ بهسازي محيطي

ـ بهبود ساخت‌وسازها

ـ تغيير كاربري‌ها

ـ تشكيل نهادهاي غيردولتي

ـ تأمين امنيت اجتماعي

در جدول شماره­ی 4 اقدامات، برنامه‌ها و طرح‌هاي پيشنهادي به مشاركت مردم در زمينه‌هاي مختلف اشاره شده است و تمام موارد فوق به‌عنوان چکیده موضوع در مطالب ذیل آورده می‌شود.

**جدول4: اقدامات، برنامه‌ها و طرح‌هاي پيشنهادي به مشاركت**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **چگونگي و مراحل جلب مشاركت مردم در بهبود زیست­پذیری روستای یوش** | | | | |
| **اعتمادسازی و آگاه‌سازی** | **نهادسازي و نهادينه‌سازي** | **اجرا (مشارکت همه جانبه)** | **خود ساماندهي**  **(نظارت و هدايت راهبردي** ) | **محورهاي مشاركت** |
| شناسايي ارزش‌هاي بافت، لزوم مشاركت مردم، لزوم توسعه گردشگري، آموزش قوانين، تشريح طرح‌ها، برنامه‌های مداخله با نظرخواهي از روستاییان | حمایت از ميراث فرهنگي، حمايت از محیط ‌زیست و شوراي اسلامي روستای یوش | جلب سرمايه،  كمك‌هاي فني و مشاوره‌اي،  كمك بلاعوض،  و اعطاي وام، | کمک مالی و ارائه­تجربيات، پيشنهادات سرمايه‌گذاري و اهداء زمين و خانه، اظهار نظر فني توسط معماران، بناها، معتمدين و مقامات روستا، تأمين نيروي انساني و همكاري در اجراي پروژه | مرمت و احياء بافت  گردشگری، زیست­پذیری محيطي،  بهبود ساخت‌وساز،  تغيير كاربري‌ها،  ایجاد نهادهاي غير‌دولتي،  و تأمين امنيت اجتماعي |

**8- یافته­های پژوهش**

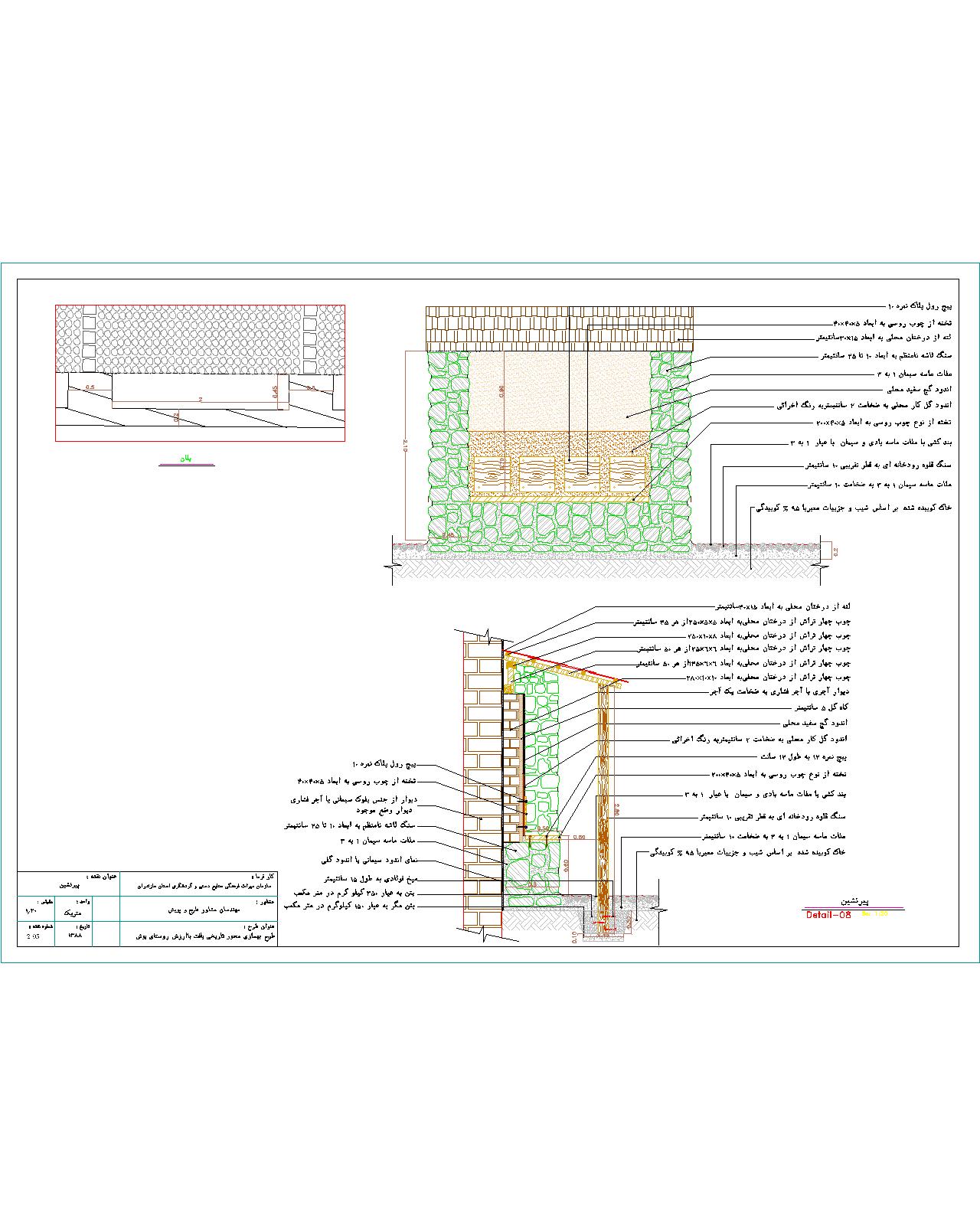
بر اساس مطالعات صورت گرفته چنین یافت می­شود که زیست­پذیری مناطق روستایی برگرفته از چهار عامل سطح خدمات‌رسانی، زندگی اجتماعی، مکان فیزیکی و اقتصاد محلی می­باشد و زیست­پذیری بافت روستا برگرفته از چهار عامل اقتصاد، اجتماع- فرهنگ، کالبد-فضا و زیست محیط می­باشد و در کل می­توان بر اساس نمودار زیر چنین دریافت که مشارکت مردمی موجب زیست­پذیری بافت روستا می­گردد که زیست­پذیری به چهار عامل اقتصاد محلی، کالبد فیزیکی روستا بستگی دارد و در کل تمامی این عوامل با مشارکت مردم روستا است، که امکان­پذیر می­باشد.



**نمودار 3: تأثیر مشارکت مردمی بر روی عامل­های زیست­پذیری در بافت تاریخی یوش**

**جدول5: نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصت­ها در ایجاد زیست­پذیر نمودن بافت روستای یوش**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **SWOT** | **نقاط ضعف(W)** | **نقاط قوت(S)** |
| **فرصت­ها**  **(O)** | * **معرفي روستا به‌عنوان يكي از مكان‌هاي زيباي منطقه به دليل دارا بودن چشم‌اندازها و محيط طبيعي منحصربه‌فرد** * **ايجاد ايستگاه شكار و كوهنوردي** * **جلوگيري از فرسايش اراضي روستا** * **جلوگيري از مهاجرت بوميان منطقه** * **عدم واگذاري مالكيت اراضي و منابع طبيعي در ارتفاعات به اشخاص** * **اشتغال­زایی در صنایع وابسته به صنعت گردشگری** * **ايجاد پايگاه كوهنوردان و كمپ‌هاي مخصوص ورزشي** * **عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در محيط جغرافيايي روستا** * **فروش اراضي اطراف روستا به افراد خارج از روستا و تبديل به فضاهاي خصوصي** | * **نزديكي به شهر پرجمعیت تهران و شهرهاي آمل، نور و بلده** * **دسترسي به محور طبيعي و تاريخي نور ـ بلده** * **توجه بخش دولتي و خصوصي به احياءیصنعت گردشگري** * **امكان توسعه روستا در عرصه‌هاي گردشگري و كشاورزي** * **زمينه‌هاي گردشگري، پرورش ماهي، حیات‌وحش و فعاليت‌هاي كشاورزي** * **امكان توسعه روستا در عرصه‌هاي گردشگري و كشاورزي** * **وجود تأسيسات زيربنايي و موردنیاز توسعه** * **وجود معادن مختلف گچ و آهك و زغال‌سنگ در محدوده روستا** * **شناسايي و معرفي روستا به جهانگردان و ایران‌گردان** * **توسعه امكانات مربوط به استفاده از شكارگاه و صيد ماهي** |
| **تهدیدها**  **(T)** | * **فرسايش محيط طبيعي روستا در معرض آب‌هاي جاري، سطحي و سيل** * **شرايط اقليمي نامناسب در فصل زمستان و ماه­های سرد سال** * **پهنه با خطر نسبي بالاي زلزله و عدم رعايت مسائل فني ساخت‌وساز در يوش** * **فرسايش اراضي محدوده روستا در اثر حركت آب‌هاي روان و ساخت‌وساز** * **عدم رعايت مسائل بهداشتي-زیستی اطراف رودخانه و باغات روستا** * **كمبود امكانات و وسايل انتقال آب براي آبياري اراضي موجود** * **كمبود امكانات حمل‌ونقل گردشگران** * **نبود خدمات رفاهي در جهت آسايش و اقامت گردشگران** * **ناشناخته ماندن روستا و جاذبه‌هاي محيطي، تاريخي و گردشگري آن** * **كمبود پشتيباني مالي و بانكي از كشاورزان** | * **قرارگیری روستا در معرض آب­های جاری** * **قرارگیری روستا در پهنه­ای از کوه** * **قرارگیری روستا در ارتفاعات (چشم­انداز مناسب)** * **نزدیکی به شهر تهران و شهر آمل و امکان احداث كارخانجات** * **تنوع گونه‌های جانوری و گیاهی** * **توسعه امكانات مربوط به استفاده از شكارگاه و صيد ماهي قزل‌آلا** * **ايجاد پايگاه كوهنوردان و كمپ‌هاي مخصوص ورزشي** * **امكان استفاده از فضاهاي تفرجگاهي به دلیل فاصله کوتاه روستا با تهران** * **امكان توسعه روستا در عرصه‌هاي گردشگري** * **ارتفاع زياد روستا نسبت به سطح آب‌هاي آزاد و استقرار در کوه‌های البرز** |

**9- نتیجه­گیری**

در این پژوهش باهدف بررسی تغییرات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست­محیطی طرح زیست­پذیری بافت­های باارزش تاریخی و روستایی یوش که در سال­های اخیر به اجرا درآمده، حاصل تجارب محدودی است که در زمینه­ی احیا و زیست­پذیری بافت­های روستایی در کشور وجود داشته و نیز در پی انتقادهای اساسی به مداخله حداکثری طرح­های توسعه، عمران و هادی روستایی بوده که برای امروزی کردن بافت­های روستایی با معیارها و ضوابط طراحی در شهرها و شهری کردن روستاها مطرح‌شده است. این چرخه احیا روستا شامل 5 شاخص می­باشد که عبارتند از ایجاد شغل و درآمد، جذب گردشگر، تشویق به حفظ میراث تاریخی روستا، احیا بافت و ایجاد خدمات و بافت و سرمایه­گذاری و مشارکت مردم است که با طرح­ مداخله در بافت روستایی با ضوابط و مقررات خاص خود و به‌صورت حداقل مطرح می­شود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می­دهد که مشارکت مردمی در روستا باعث ایجاد بهبود کیفیت زیست­پذیری بافت تاریخی روستای یوش می­شود. زیست­پذیری، چهار عامل؛ اجتماعی­فرهنگی (اعتماد مردمی)، کالبدی­فیزیکی (اجرای مشارکتی)، زیست­محیطی (نهادینه­سازی) و اقتصادیست (نظارت و هدایت راهبردی). وجود شرایط نامساعد طبیعی مانند استقرار نامناسب روستا، حمل‌ونقل مشکل، عدم وجود مکان مناسب گردشگری، کمبود اشتغال­؛ کیفیت طرح­ها را از بعد اقتصادی و زیست­محیطی پایین آورده است. مطالعات حاکی از آن است که زیست­پذیری بافت روستا، از طریق عدم‌مداخله در منظر و سیمای روستا و هویت بخشیدن به ارزش­های میراث محلی (خانه نیما یوشیج)، زمینه­ساز توسعه عوامل کالبدی فیزیکی سکونتگاه­های بافت روستای یوش می­شود. لذا حفاظت بافت تاریخی روستای یوش، امکان بازشناسی فرهنگ­های بومی را میسر می­سازد و دخیل نمودن مشارکت مردم، امکانات و تسهیلات زیست­پذیری متناسب با شرایط کنونی روستاییان، ماندگاری و کم شدن مهاجرت ساکنان در بافت­ روستایی یوش، از طرفی توسعه گردشگری در روستای یوش را فراهم می­سازد. در آخر می­توان چنین بیان نمود که مشارکت مردمی روستاییان و جلب حمایت مسئولین میراث فرهنگی، تحقق این عوامل را امکان­پذیر می­نمایند.

**مراجع**

* اسماعیل­پور، ع. شاهوردی، ح. رومیانی، ا. چهرازی، ا. (1397) "اولویت­بندی مناطق روستایی براساس شاخص­های زیست­پذیری روستایی"، فصلنامه مطالعات برنامه­ریزی سکونتگاه­های انسانی، دوره 13، شماره4، ص 988-971.
* پورطاهری، م. نقوی، م.ر. (1391) "توسعه سکونتگاه­های روستایی با رویکرد توسعه پایدار"، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره137.
* پور طاهری، م. افتخاریی، ع.ر. عباسی، م. (1391) "ارزیابی عملکرد طرح های هادی روستایی در توسعه کالبدی سکونتگاه های روستایی"، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، شماره5.
* خراسانی، م.ا. رضوانی، م.ر. (1392) "تحلیل ارتباط زیست­پذیری روستاهای پیرامون شهری با برخورداری خدماتی"، مجله برنامه­ریزی فضایی، سال سوم، شماره سوم، پیاپی 10، ص 16-1.
* رکن الدین افتخاري، ع.ر. سجاسی قیداري،ح. صادقلو، ط. (1391) "تحلیل محتوایی جایگاه توسعه پایدار روستایی در برنامه­هاي بعد از انقلاب اسلامی"، پژوهش­هاي جغرافیاي انسانی، دوره­ 45، شماره 3.
* زنجانی، ح. گل کار، ز. محمدی، ح. (1390) "بررسی جنبه­های اجتماعی مسکن مهر مطالعه موردی شهرستان کرج"، مجله تعاون، دوره 22، شماره 7.
* سعیدي، ع. طالشی، م. رابط، ع.ر. (1392)" نوسازي مسکن و دگرگونی ساختاري- کارکردي خانه­هاي روستایی مورد: روستاهاي شهرستان ایجرود (استان زنجان)"، فصلنامه بین­المللی انجمن جغرافیاي ایران، سال یازدهم، شماره38.
* سعیدي، ع. امینی، ف. (1389)" ناپایداري سکونتگاهی و تحول کارکردي مسکن روستایی"، نمونه مورد: روستاي خفر (ناحیه نطنز، بادرود)"، فصلنامه انجمن جغرافیاي ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره2.
* سرتیپی­پور، م. (1389) "بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران"، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 49، ص 60-47.
* عنابستانی، ع.ا. (1388) "ارزیابی اثرات کالبدی اجرای طرح­های هادی روستایی"، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
* عنابستانی، ع.ا. اکبری، م.ح. (1391) "ارزیابی طرح هادی و نقش آن در توسعه کالبدی روستا از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی شهر جهرم)"، پژوهش­های جغرافیایی انسانی، دوره 44، شماره4، ص 110- 93.
* فتاحی، ا.ا. خراسانی، م.ا، پایدار، ا. (1391) کیفیت زندگی و توسعه انسانی، نشر انتخاب.
* قاسمی اردهائی، ع. رستمعلی زاده، و. (1391)" اثرات وام مسکن در تغییرات زندگی روستایی"، مجله مسکن و محیط روستا، شماره139.
* محمدی یگانه، ب. چراغی، م. عباسی، ج. تاراسی، ز. (1391) "نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه موردی: شهرستان زنجان"، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 141.
* مهندسان مشاور ایوان نقش جهان. (1383) طرح ساماندهی بافت با ارزش فرهنگی- تاریخی روستای یوش، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری مازندران.
* مركز آمار ايران. (1335- 1375) سالنامه آماري كشور، سرشماري عمومی نفوس و مسكن، تهران: سازمان مديريت و برنامه- ريزي كشور.
* یعقوبی، ج. رنجور، ا. خشنودي­فر، ز. (1392) "تحلیل مولفه­هاي پیش برنده در اجراي موفقیت آمیز طرح بهسازي و نوسازي مسکن روستایی مورد: شهرستان خدابنده"، مجله جغرافیا و توسعه، شماره32.
* Carlsson, S. O. Frederiksen, C.G. (2002). Quality of life and standard of living in a randomly selected group of psychiatrically disabled people in Sweden 2 years after a psychiatry reform, European Psychiatry.
* Miller, H.J. Witlox, F & Tribby, C.P. (2013). Developing context-sensitive livability indicators for transportation planning: a measurement framework, Journal of Transport Geography, 26, 51–64.
* Pacione, M. (1990). Urban liveability: areview, Urban Geogr, 11:1, 1-30.
* Seymoar, J. (2008). Principles of livable communities, journal of environmental science, 12:1, 172-188.
* Southworth, M. (2003). Measuring the liveable city, Built Environment (1978), 343- 354.
* Tuncdilk, N. (1976). Turkey Iskan Cografyasi, Kir iskan, Yayin: Istanbul Universitesi.

1. Symvra [↑](#footnote-ref-1)
2. Pacione [↑](#footnote-ref-2)
3. Organic [↑](#footnote-ref-3)